



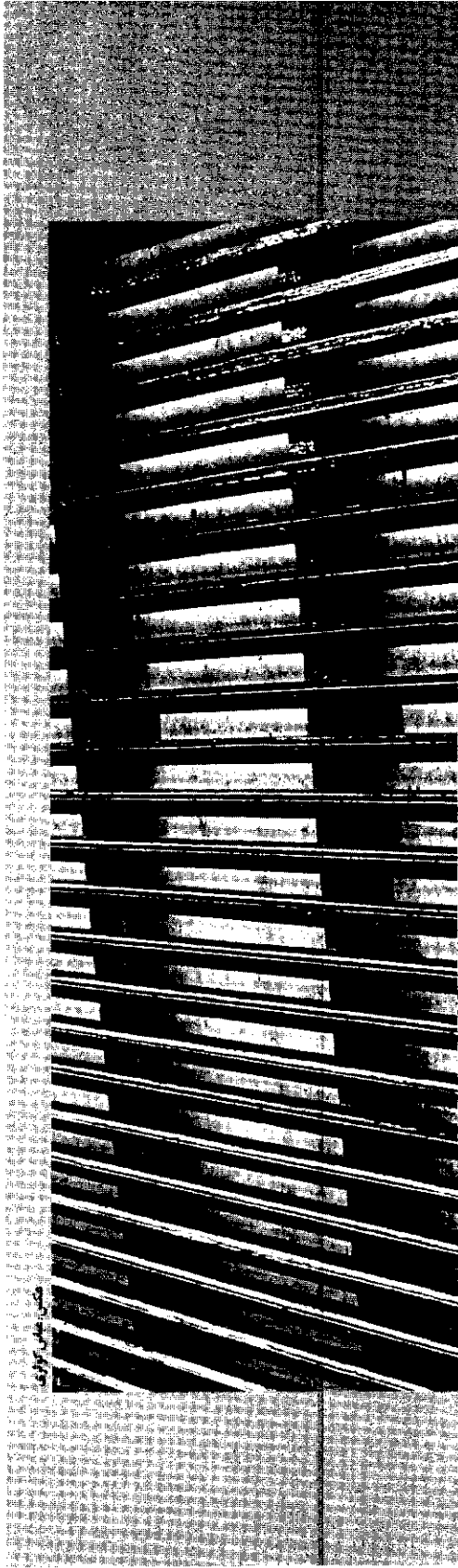
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# دارد آینه‌ای می‌آید

خانم لیلی گلستان را سال‌هاست با ترجمه‌های خوب‌شان (گزارش یک مرگ مارکز، زندگی پیش رو رومن گاری، اگر شبی از شب‌های زمستان مسافری کالوینو...) می‌شناسیم، و با گالری گلستان، که همواره از فعال‌ترین مراکز نمایش و فروش محصولات هنرهای تجسمی بوده. آن‌چه از نظر تان می‌گذرد، گفت‌وگویی مختصری است دربارهٔ اوضاع و احوال حاکم بر گالری‌های عکس و نقاشی، از دید ایشان، امیدواریم بعدتر فرصت دیگری دست دهد برای گفت‌وگویی دربارهٔ ترجمهٔ ادبی و فضای ادبیات در ایران.

خانم لیلی گلستان در صحبتی که چندی پیش با هم داشتیم شما با خوشحالی گفتید که اتفاقات خوبی برای هنرهای تجسمی دارد می‌افتد و آرام آرام افق هنرهای تجسمی روشن و روشن‌تر می‌شود. برای ما بگویید که چه اتفاقی دارد می‌افتد؟

سال ۸۲ سال خبرهای خوب از نتایج فعالیت‌های مشترک گالری داران با مراکز هنرهای تجسمی و موزه هنرهای معاصر



تهران است. امسال بالاخره پس از چانه زدن‌های بسیار مجلس تصویب کرد که سازمان‌ها و نهاد‌های وابسته به دولت «می‌توانند» نیم درصد از بودجه‌شان را صرف خرید آثار هنری بکنند. این اتفاق بسیار مهمی بود که افتاد. حال باید روند مطلوب در جهت پیشبرد این پیشنهاد را پیدا کنیم. موزه‌های معاصر فوراً دست به کار شدند و به اصطلاح این تصویب‌نامه را «بل» گرفت و خیلی زود از بانک‌ها دعوت کرد تا آثار هنری را از طریق گالری‌ها و با

حضور مشاورین موزه خریداری کنند. این واقعاً کمک بسیار مهمی بود که در حق هنرمندان و گالری‌داران اعمال شد. تا به حال دوبار این خرید صورت گرفته است. البته روند فعلی روند مطلوب نیست، اما مطمئن هستم با رایزنی‌ها و گفت‌وگوها و جلساتی که در پیش داریم حتماً به نتایج مثبتی خواهیم رسید و به راه درست خواهیم افتاد. البته شخصاً ترجیح می‌دادم که راه درست از همان بدو شروع کار به کار گرفته می‌شد، اما چون می‌خواستیم هر چه زودتر کار راه بیفتد و به ورطه فراموشی و حرف و سخنی نیفتد، با تمام مشکلات کار را شروع کردیم، که البته بگویم بخش بیش‌ترین بار سنگین بردوش موزه و کارکنانش بود، که الحق بسیار مرتب کار کردند. این کار ادامه خواهد داشت و حال سعی بر این است که «می‌توانند» را تبدیل به «باید» کنند. فکر می‌کنم در آینده‌ای نزدیک هوای هنرهای تجسمی پالوده‌تر و لطیف‌تر شود!

خبر مهم دیگر، تجربه من از فروش آثار در گالری خودم بود. چه خوب می‌شد که در این گفت‌وگو چند گالری‌دار دیگر هم شرکت می‌کردند تا تجربه فروش امسال را برای من می‌گفتند. امسال دو سه نمایشگاه (خارق‌العاده) داشتم. خارق‌العاده به معنای دقیقی لفظ آن، یعنی دوران عادت و یاورای عادت معمول و یا روال معمول. اول نمایشگاه مجسمه‌های کوچک برنزی شیده نامی بود که از نود عدد مجسمه چهل و هشت عدد آن به فروش رفت! چهل و هشت مجسمه در پانزده روز! دوم نمایشگاه نقاشی‌های انتزاعی غلامحسین نامی بود که رکورد فروش در تاریخ نمایشگاه‌های انفرادی را شکست. و سوم نمایشگاه صد اثر صد هنرمند بود. این نمایشگاه همیشه تجربه‌های جالبی برای من دارد.

### نحوه برگزاری این نمایشگاه چگونه است و آیا واقعاً صد نفر شرکت می‌کنند؟

امسال صدوسی و شش نفر شرکت داشتند با دو بیست و هشتاد اثر. حدود صد و شصت اثر در دیوار بود، و باقی در انبار گالری. اگر کاری به فروش می‌رفت، بلافاصله آن‌را تحویل خریدار می‌دادیم و یک کار دیگر از همان هنرمند به جای آن می‌آویختیم. پس این نمایشگاه هر سه چهار روز یک بار تبدیل به نمایشگاه جدیدی می‌شد.

### چه سبک از آثار در این نمایشگاه بود و چرا تابستان را انتخاب کردید که اغلب مردم در سفر اند؟

تابستان را انتخاب کردیم، چون تعداد زیادی مسافر از خارج از کشور به ایران می‌آیند و هم آن‌ها بودند که انگیزه من برای برگزاری این نمایشگاه شدند. حالا دیگر طوری شده که پیش از سفرشان به ایران با پست الکترونیکی وقت نمایشگاه را سؤال می‌کنند...

هنرمندان معروف هم در این نمایشگاه شرکت دارند؟  
بله، اصل کار ما این است که جوانان نقاش در کنار هنرمندان مشهور قرار بگیرند. و در کارت دعوت هم نام‌ها بدون در نظر گرفتن درجه شهرت به حروف الفبا چاپ می‌شود. سال‌های گذشته تا دو هفته اول بیش‌تر کار ارزان‌تر جوانان به فروش می‌رسید و اتفاق مهم امسال این بود که تا ده روز اول فقط کار اساتید و امضاهای معروف به فروش رفت. خریداران این آثار هم مجموعه‌داران همیشگی نبودند کسانی بودند که می‌گفتند می‌خواهند مجموعه‌دار شوند. من با این‌ها بسیار صحبت کردم و چیزی که دستگیرم شد این بود که حالا کسانی به این نتیجه رسیده‌اند که می‌شود پول خرج هنر کرد، و حالا متوجه شده‌اند که خرید آثار هنری خودش یک پس‌انداز است. حتی چند نفر در نهایت صمیمیت و صداقت یک فهرست در دست داشتند و می‌گفتند به ما گفته‌اند که باید برای شروع از این هنرمندان کار داشته باشیم! و این برای من جالب بود چون این‌ها معترف بودند که آشنایی با این مقوله ندارند و حالا می‌خواهند آشنا

شوند و این یعنی پیشرفت.

### کارهای خریداری شده بیش‌تر در سبک‌های واقع‌گرا و قابل فهم‌تر بودند یا از هر سبکی خریداری می‌شد؟

سال‌های گذشته بیش‌تر آب‌نگ‌های منظره و گل به فروش می‌رفت و کارهای انتزاعی و مدرن روی دست‌مان می‌ماند! و من از این موضوع دلخور بودم و دلم می‌خواست که اثر انتزاعی هم بالاخره فهمیده شود. اما امسال در مقابل سه اثر قابل فهم‌تر یک اثر انتزاعی به فروش رفت و همین باعث خوشحالی نقاشان شد. امسال خریداران از پیشینه و شناسنامه کاری هنرمندان سؤال می‌کردند، می‌خواستند در مورد نقاشی اثری که خریده بودند بیش‌تر بدانند. این‌ها همه اتفاقات خوبی است. این می‌رساند که اثر هنری دارد جدی گرفته می‌شود، چیزی که برایم از همه جالب‌تر بود، این بود که خریداران جدید، آثار با کیفیت بالا را می‌خریدند. یعنی صاحب سلیقه و فهم بودند و ثابت کردند که نباید مخاطب را دست کم گرفت.

### آیا با شما مشورت هم می‌کردند؟

با یکی از مشورت کردن نداشتمند، گاهی اوقات هم با دکوراتوری‌شان می‌آمدند. بادم می‌آید که خانم دکوراتوری شش کار انتخاب کرد و صاحب کار به هنگام پرداخت با صمیمیت گفت من که چیزی از این‌ها نمی‌فهمم، اما خوشحالم که بچه‌هایم به دیدن آثار هنری عادت می‌کنند. و بعد هم اعتراف کرد که هرگز در خانه‌شان تابلو نداشته‌اند. وقتی به کل این ماجرا نگاه کنید و سه هفته تمام هر روز با این مسایل برخورد داشته باشید، به این نتیجه می‌رسید که دارد اتفاقی می‌افتد و این یک موج گذرا نیست. دارد فضیله هنر «فهم» می‌شود. و این اهمیت دارد.

### همه‌چیز کاری در این نمایشگاه بود و همه‌چیز قیمتی. خریداران آثار جوانان چه کسانی بودند؟

جالب این جاست که خریداران جوانان بیش‌تر مجموعه‌داران قدیمی‌اند. اصلاً ما چند مجموعه‌دار صاحب سلیقه داریم که فقط از جوانان خرید می‌کنند. هم برای تشویق آن‌ها و هم این که می‌دانند چند سال دیگر این هنرمند معروف خواهد شد. یعنی کارشان هم حساب دارد، هم کتاب!

احتمالاً گاهی همین مجموعه‌داران باعث معروفیت نقاش جوان می‌شوند. به خانه‌شان که بروید می‌بینید که کار جوانان در کنار کار اساتید به دیوار آویخته شده.

### در این نمایشگاه آثار هنرمندان قدیمی که یا در دوران انقلاب در ایران نبوده‌اند و یا از دنیا رفته‌اند، بسیار دیده می‌شود...

آثار ارائه شده در این نمایشگاه فقط متعلق به هنرمندان نیست بلکه کسانی هم هستند که به دلایلی متفاوت مثل احتیاج به پول، مسافرت یا عوض کردن خانه بزرگ با خانه کوچک، آثار هنری‌شان را برای فروش ارائه می‌کنند. پس آثار هنرمندان معروف قدیم که تقریباً بیاب است در این نمایشگاه «یاب» می‌شود.

### آیا آثار خریداری شده توسط سازمان‌های وابسته به دولت هم آثار قابل فهم‌تر بودند؟

طبعاً باید آثار قابل فهم‌تر خریداری شود، چون برای مکان‌های عمومی، دفاتر کار و یا اطابق کارمندان، خرید می‌کنند. پس آثار خوش‌رنگ و شیرین و قابل فهم‌تر و بیش‌تر به فروش رفتند، اما در خرید دوم چند کار بزرگ انتزاعی هم به فروش رسید که باعث امیدواری شد.

خانم گلستان خبرهای خوبی دادید، امیدوارم فرصتی پیدا شود تا همان‌طور که گفتید با دیگر گالری‌داران هم صحبت کنیم تا تجربیات آن‌ها را هم بدانیم. ▶